

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۳۰، تابستان ۱۳۹۶، ویژه تاریخ اسلام

دلایل حیرت شیعه در غیبت صغری

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۲/۱۹

تاریخ تأیید: ۹۶/۰۲/۳۰

علیرضا نیک سخن*

چکیده

پس از شهادت امام حسن عسگری علیه السلام، به علت عدم معرفی جانشین از سوی ایشان و نیز القائنات مسموم حکومت عباسی مبنی بر فرزند نداشتن حضرت امام حسن عسگری علیه السلام و نیز مدعیان دروغین امامت، شیعیان در برهه ای از دوره غیبت صغری در حیرت و سرگردانی سپری نمودند و در شناخت امام خود دچار مشکل شدند. سازمان وکالت قوی، وجود سفیران اربعه و تلاش‌های ناحیه مقدسه، از عوامل رهایی شیعیان از حیرت و سرگردانی بود. در این مدت شیعیان از طریق نواب اربعه و نامه با حضرت امام حسن عسگری علیه السلام در ارتباط بودند و حضرت نیز از این طریق به تبیین مسائل می پرداخت و در صورت نیاز، خود با مدعیان امامت و سفارت از طریق توقیعات مبارزه می کردند در این میان عالمان شیعه با تألیف کتب کلامی به صورت علمی به مسئله امامت می پرداختند که این موجب رشد مکتب‌های کلامی و حدیثی در بغداد، قم، ری و... شد.

واژه‌های کلیدی: غیبت صغری، سازمان وکالت، توقیعات، نواب اربعه، امام حسن عسگری علیه السلام.

زمان حضور امامان معصوم علیهم‌السلام

۱- وضعیت سیاسی و اجتماعی

مهم‌ترین عامل در بروز بحران و مشکل برای شیعیان در عصر حضور و غیبت، وجود دستگاه‌های استبدادی و ستمگر بود که با غصب رهبری سیاسی و اجتماعی از پیشوایان شیعیان، به فساد در جامعه دامن می‌زدند. در بغداد امامان معصوم علیهم‌السلام فاقد پایگاه سیاسی بودند، حکومت در ابتدا در اختیار بنی امیه و سپس بنی عباس قرار گرفت، هرچند عباسیان با شعار (الرضا من آل محمد) به حکومت رسیدند اما بیشترین فشارها بر شیعیان در این دوره صورت گرفت. در میان خلفای عباسی، متوکل و معتضد عباسی گوی سبقت از بنی امیه ربودند و فشار و اختناق را به اوج خود رساندند، به گونه‌ای که خلافت ده ساله معتضد عباسی (۲۷۹-۲۸۹) را با دوره‌ای دیگر نمی‌توان مقایسه نمود به تعبیر شیخ طوسی در زمان او از شمشیرها خون می‌چکید.^۱

۲- وضعیت دینی و فکری

حضور امامان معصوم علیهم‌السلام بزرگ‌ترین نعمتی بود که شیعیان آن را داشتند. آنان سکنداران جامعه دینی مسلمانان بودند که تلاش فراوانی برای هدایت جامعه با وجود اختناق و فشار حکومت‌های ظالم انجام دادند. در آن زمان شاگردان و اصحابی تربیت شدند که هم کارگشای احادیث باشند و هم از کیان فقهی و اعتقادی شیعه در برابر فرقه‌ها و گروه‌های مختلف، از جمله اهل سنت که از حمایت خلیفه بر خور دار بودند دفاع کنند.^۲

۱. طوسی، متن و ترجمه کتاب غیبت، ص ۱۷۹.

۲. آقایی، تاریخ عصر غیبت، نگاهی تحلیلی بر غیبت امام دوازدهم، ص ۱۲۸.

۳- وجود جریان‌های انحرافی

یکی از عواملی که در بحران و حیرت شیعیان در زمان غیبت تأثیر داشت، وجود غالیان و فرقه‌هایی بود که در زمان حضور امام معصوم به وجود آمده بودند. افرادی در سازمان وکالت شیعیان، وکیل امام بودند اما به طمع دنیا در مقابل امام قرار گرفتند و فرقه‌هایی مانند واقفیه را تشکیل دادند. اوج این جریان‌های انحرافی در عصر امامین عسگرین علیه السلام است، حضرت با غالیانی همچون ابوعبدالله مغازی، حسن بن محمد بن بابایی قمی، محمد بن موسی السریعی و... و نیز جریان‌های انحرافی هم چون تحریف قرآن، صوفیه، فرقه محمدیه و... روبه‌رو بودند.^۱

هرچند امامان معصوم با لعن و تکفیر به روشنگری پرداختند اما وجود بعضی از این افراد و انحرافات که ایجاد کرده بودند سرآغازی برای بحران جدید شد.

سازمان وکالت؛ راهکار امامان معصوم علیهم السلام برای ارتباط با شیعیان

شرایط بحرانی ائمه علیهم السلام در زمان بنی عباس امامان را بر آن داشت که از ابزاری جدید برای ارتباط با شیعیان خود استفاده کنند. امام صادق علیه السلام نخستین امامی بود که از این روش استفاده نمودند و امامان بعدی آن را وسعت بخشیدند و در زمان کوتاهی به تمام سرزمین شیعیان تسری پیدا نمود و فواید و آثار سازمان وکالت در عصر غیبت ظهور پیدا کرد. سازمان وکالت علاوه بر وظیفه مالی (خمس و زکات) پل ارتباطی میان امام و شیعیان بوده است.

«این شیوه در زمان امامت امام جواد علیه السلام شکلی نوین به خود گرفت، این شیوه ارتباطی در ایام امام هادی و امام عسگری علیهم السلام به مرحله رشد و بالندگی رسید. آنگاه که فضای اختناق و کنترل شدید تماس شیعیان با امام عسگری علیه السلام به مرحله رشد و

۱. احمدی کجایی، رفتارشناسی امام هادی و امام عسگری علیهما السلام در مقابل جریان‌های انحرافی تا دوره غیبت.

بالندگی رسید. آنگاه که فضای اختناق و کنترل شدید تماس شیعیان با امام معصوم را به مرحله دشوار و بس ناممکن رساند. آن امامان هر کدام اقدام به تعیین نمایندگان در شهرها و نواحی شیه نشین کردند و به این وسیله سردمداران حکومت را در سردرگمی نهادند.^۱

عصر غیبت

الف) دلایل حیرت شیعیان

۱- غیبت

غیبت اولین دلیل حیرت شیعیان بود. شیعیان که تا آن روز عادت به حضور امام داشتند با واسطه یا بدون واسطه از امام سؤال می نمودند و با امام در ارتباط بودند، از این نعمت محروم شدند، البته باید توجه داشت، غیبت به معنای چیز نهان و ناپیداست و در برابر شهادت به کار می رود.^۲ از این رو به افرادی که در جمعی حضور ندارند، غایب می گویند. پس غایب بودن از دیدگان به معنای غایب بودن از دل و جان نیست امام علی علیه السلام می فرماید: خداوند اگرچه غایب است و از دیدگان دور، اما در دل مؤمنان حاضر و ظاهر است.^۳

عدم وجود امام در میان مردم، برخورد دستگاه خلافت با شیعیان، وجود متکلمان فرقه‌ها و مذاهب دیگر، فضا را بر شیعیان بسیار سخت نموده بود به گونه ایی که در روایات تعبیر به امتحان و ابتلا و فتنه شده است. امام صادق علیه السلام می فرماید:

۱. ابادری، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی (سفر سوم)، ص ۲۵.

۲. راغب، المفردات، ص ۳۷۷.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۴.

به خدا قسم شما مانند سفال شکسته می‌شوید، درحالی‌که سفال پس از شکسته شدن، دیگر به صورت اول بر نمی‌گردد. به خدا قسم شما امتحان و غربال می‌شوید چنانکه دانه تلخ از گندم جدا می‌شود.^۱ و در برخی از روایات، مسئله غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با غیبت حضرت موسی و گوساله‌پرستی قوم اش مقایسه شده است و تأثیر فقدان حضرت موسی در میان بنی‌اسرائیل و انحراف آن‌ها مورد توجه قرار گرفته است.^۲

۲- زمینه‌های سیاسی و اجتماعی

وضعیت سیاسی جهان اسلام در دوران غیبت صغری تحت تأثیر تحولات پدید آمده در دستگاه بنی‌عباس، از زمان معتصم عباسی دوران رکود خود را، می‌گذراند و شاهد قیام و حکومت‌های خودمختار در گوشه و کنار جهان اسلام بود. در دوران غیبت شش تن از عباسیان حکومت کردند: ۱- احمد المعتمد ۲- معتضد عباسی ۳- مکتفی بالله ۴- مقتدر عباسی ۵- محمد القاهر ۶- راضی عباسی.^۳ آنان از هیچ ظلم و ستمی در حق شیعیان و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام دریغ نکردند. به خصوص در دوران امامت امامین عسکریین علیهم‌السلام که با زندانی شدن امام در سامرا و قطع ارتباط ایشان با شیعیان، به اوج خود رسید. در این دوران حکومت بسیار تلاش کرد القاء کند امام حسن عسکری علیه‌السلام بدون جانشین است. آنان مدعی بودند که فرزندی برای ایشان پدید نیامده است و در نتیجه شیعیان را در باور به امامت بیشتر سردرگم می‌ساختند.^۴

۱. مجلسی، مهدی موعود، ص ۸۵۷-۸۵۸.

۲. همان، ۸۶۳.

۳. نگاهی به کتاب اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شیعه در غیبت صغری، ص ۹۸.

۴. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه ۱/ ۴۲-۴۴.

۳- عدم تعیین جانشین از سوی امام عسگری علیه السلام

امام در سال ۲۶۰ هـ به شهادت رسیدند درحالی که فرزندی را به‌عنوان امام بعد از خود معرفی نمود. بزرگان و علما نیز مدعی فرزند و جانشینی برای حضرت نبودند، دلیل این امر، منصرف کردن خلیفه از پی جویی فرزند حضرت، دریکی از توقیعات می‌باشد.^۱ توفی (حسن عسگری) لم یر له خلف و لم یعرف له ولد ظاهر.^۲

تا پیش از این امامان معصوم علیهم السلام وصی و جانشین خود را به اصحاب خود معرفی می‌نمودند و این مهم از حیرت شیعیان می‌کاست، هرچند در برهه‌ای از تاریخ مانند تعیین وصی امام صادق علیه السلام، برخی از اصحاب به سمت عبدالله افطح رفتند اما وجود امام مانع از ادامه حیرت شیعیان در آن عصر شد. همچنین به علت اختناق شدید دستگاه حاکم در زمان امام هادی علیه السلام، ایشان نیز جانشین خود را معرفی ننمود و تنها به یاران نزدیک خود، امام یازدهم را معرفی کرد.^۳ سرگردانی شیعیان زمانی افزایش یافت که بنا بر مصالحی امام یازدهم علیه السلام افرادی را به‌عنوان وصی خود معرفی نمود اما نامی از جانشین و یا فرزند خود نبرد. در وصیت‌نامه‌ای که از حضرت برجای مانده بود، حضرت تنها از مادر خود نام‌برده است^۴ و نیز آنچه بر دودلی و سرگردانی شیعیان می‌افزود، ناگزیری رعایت تقیه شدید از طرف کسانی بود که به این حیرت دچار نبودند.^۵

۴- پراکندگی شیعیان

یکی دیگر از عوامل حیرت شیعیان در زمان غیبت صغری، پراکندگی شیعیان بود. به‌گونه‌ای که از دو جهت سبب حیرت شیعیان شد: نخست گروهی که از سامرا دور بودند

۱. الطوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۶۰-۳۶۱.

۲. سعد بن عبدالله اشعری، المقالات و الفرق، ص ۱۰۲.

۳. نوبختی، فرق الشیعه، ص ۸۴ و ۱۳۸.

۴. صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، ۴۰/۱.

۵. همان، ۳۸۴/۲.

چون شاهد مراسم خاک‌سپاری امام نبودند، منکر مرگ حضرت شده و بر این باور بودند که وی زنده است و گروهی که به سامرا نزدیک بودند، به سبب این‌که در جریان چنددستگی‌های پیش آمده بین جعفر و مقام رفیع امامت قرار می‌گرفتند، با نگاه به وضع جدید و با دیدن این اختلاف سردرگم شده و نمی‌دانستند چه باید بکنند.^۱ علاوه بر این پراکندگی، نبود امکانات اطلاع‌رسانی سبب می‌شد تنها اندکی از شیعیان ویژه امام عسگری علیه السلام از وجود جانشین ایشان آگاه شوند.^۲

۴- بحران جعفر کذاب

امام حسن عسگری علیه السلام بنا بر مصالحتی جانشین و فرزند خود را به شیعیان معرفی نکرد. در این شرایط، برادر امام - جعفر کذاب - خود را به‌عنوان امام معرفی می‌کند و می‌گوید: «مضی ابو محمد آخی و لم یخلف أحداً لا ذکراً و لا أنثی و أنا وصیه». ^۳ ادعای او موردپذیرش بخش اعظم جامعه شیعه قرار گرفت، گروهایی مانند فطحیه امامت وی را قبول کردند.

۵- دستگاه خلافت

دستگاه خلافت که تلاش‌های خود را دریافتن فرزند امام عسگری علیه السلام بی‌نتیجه می‌دید، از دو روش برای مقاصد خود بهره برد:

۱. به جامعه القا کرد که امام حسن عسگری علیه السلام فرزند و جانشینی نداشته است به همین دلیل به مأموران دستور داده شد جستجو را متوقف کنند، سپس خلیفه میراث امام را تقسیم نمود و آن کسی که حق وی نبود ^۴ جعفر کذاب - آن را دریافت کرد.

۱. مدرسی طباطبایی، مکتب در فرایند تکامل، ص ۱۵۷-۱۵۸.

۲. صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، ۲/۳۸۴.

۳. الخصیبی، الهدایه الکبری، ص ۳۹۰.

۴. طوسی، کتاب الغیبه، صص ۳۵۹-۳۶۱.

۲. حمایت از مدعیان دروغین: دستگاه حاکمه برای دفع نگرانی‌های خود، هرگاه مدعی دروغین مهدویت پیدا می‌شد، از آنان حمایت می‌کرد، زیرا ادعای مهدویت جدی‌ترین آسیبی بود که می‌توانست به رهبری حکومت الهی وارد شود، چون به سبب این ادعا، منتظران حکومت را از اندیشه زلال، منحرف و به تردید وادار می‌کنند. خلافت عباسی برای ضربه زدن به خط امامت، از خط‌های انحرافی مانند جعفر کذاب و پیروانش حمایت‌های فراوان به عمل می‌آورد.^۱

۶- شبهات

یک از عوامل مهم در این دوران، شبهاتی بود که در جامعه و بین مردم وجود داشت، بسیاری از آن‌ها همراه با غرض و عامدانه بود. کسانی قائل به انقطاع امامت بعد از امام عسگری علیه السلام بودند و با تمسک به حدیث امام صادق علیه السلام که می‌فرمایند: زمین از حجت خالی نمی‌ماند، مگر آنکه خداوند، به علت کثرت گناهان مردم بر آن‌ها غضب کند و حجت خدا را از روی زمین بر دارد.^۲ با استناد به این حدیث معتقد بودند به خاطر گناهان مردم، حجت خدا از روی زمین برداشته شده است و بعد از امام عسگری علیه السلام امامی نیامده است.

ب) رهایی از حیرت و سرگردانی

۱- سازمان وکالت و نیابت

مهم‌ترین عامل برون‌رفت از حیرت در دوره صغری، وجود سازمان وکالت و نواب بود که وظائف مهمی بر عهده داشت از جمله:

۱. زدودن شک و حیرت مردم از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. سلیمانی، خدا مراد، بازخوانی عوامل پیدایش و انحطاط انشعابات انحرافی شیعه در غیبت صغری، ص ۱۳۵.

۲. صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، ۲۰۴/۱.

۲. حفظ امام عصر (عج) از راه پنهان داشتن نام و مکان ایشان.
۳. سازمان دهی و سرپرستی سازمان وکالت.
۴. پاسخ گویی به پرسش های فقهی، مشکلات و شبهات عقیدتی.
۵. آماده سازی مردم برای پذیرش غیبت کبری.^۱

نواب اربعه

تنها راه ارتباط شیعیان با امام خود در آن شرایط سخت، سفیران امام بودند.

۱. عثمان بن سعید: وی اولین سفیر امام عصر روحی و اروخنا له الفداء بود که به رغم مخالفت هایی که در پذیرش ادعای وی صورت می گرفت، موقعیت خود را تثبیت نمود. او در ابتدا کوشید نام حضرت را مخفی نگه دارد و خود می گوید: پنهان نگاه داشتن نام وی برای آن بود که به دنبال آن نگردند.^۲ علاوه بر اختفا نام حضرت مهدی، وی مخالفت خود را نسبت به تعیین زمان خاصی برای ظهور اعلام نمود و افرادی که زمان خاصی را تعیین کرده بودند دروغ گو معرفی کرد و تلاش نمود شیعیان را از تردید در مورد امام غایب، خارج سازد.^۳

مهم ترین چالش نخستین سفیر، مخالفت های جعفر با ادعای شیعیان بود که عثمان بن سعید به ادعاهای او پاسخ می داد.^۴

۲. محمد بن عثمان

۱. آقایی، تاریخ عصر غیبت، نگاهی تحلیلی بر غیبت امام دوازدهم ص ۲۱۱.

۲. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۳۵۹-۳۶۱.

۳. رحمتی، محمدکاظم، غیبت صغری و نخستین بحران های امامیه، ص ۴۲.

۴. همان، ص ۴۳.

پس از درگذشت عثمان بن سعید، فرزندش به‌عنوان دومین سفیر از طرف ناحیه مقدسه انتخاب شد. مهم‌ترین مشکل وی کسانی بودند که سفارت پدرش را پذیرفته بودند اما سفارت او را قبول نداشتند. مهم‌ترین آن‌ها احمد بن هلال عبرتایی بود که با مرگ وی در سال ۲۶۷ ق این مشکل حل شد.^۱

۳. حسین بن روح نوبختی

سومین سفیر امام عصر عجل الله فرجه الشریف حسین بن روح نوبختی است وی از سال ۳۰۵ ق تا ۳۲۶ ق منصب نیابت امام را در اختیار داشت. ام‌کلثوم دختر نایب دوم می‌گوید: حسین بن روح اسرار دینی را از جانب پدرم به سران شیعه می‌رسانید و از خواص و محارم او به شمار می‌رفت. او نزد سران شیعه جلالت و مقام و منزلت فراوان داشت. اختصاص او به پدرم و مراتب وثوق و دیانت او روزبه‌روز مقام وی را میان شیعیان استوارتر ساخت.^۲

۴. علی بن محمد سَمَری

وی آخرین نایب امام عجل الله تعالی فرجه الشریف بود و پس از وفات وی در سال ۳۲۹ ق غیبت کبری آغاز شد و با فوت نایب چهارم، سازمان وکالت به کار خود پایان داد.

۲- توقیعات ناحیه مقدسه عجل الله تعالی فرجه الشریف

توقیع از ریشه وَقَعَ به معنای اثر نهادن بر چیزی است، چنان‌که تعبیر «وَقَعَ الْوَبْرُ ظَهْرَ الْبَعِيرِ» یعنی اثر نهادن بر پشم شتر بر پشت او.^۳ از این رو به کتابت و نامه‌نگاری نیز توقیع اطلاق شده است، زیرا که در نتیجه این عمل قلم بر کاغذ اثر می‌گذارد. یکی از عوامل خروج شیعیان از حیرت، نامه‌ها و توقیعات حضرت بوده است که از طریق سفیران خود به دست مردم می‌رساندند، البته در برخی از موارد بعضی از وکیلان برجسته واسطه صدور

۱. الطوسی، الغیبه، ص ۳۹۷ به بعد.

۲. مشکور ص ۱۴۰.

۳. المنجد، ص ۹۱۳.

توقیع می‌شدند مانند محمد بن جعفر اسدی رازی وکیل امام در ری^۱ و قاسم بن علاء آذربایجانی وکیل امام در آذربایجان.^۲ توقیات حضرت در عناوین مختلفی صادر شده است از جمله:

- اعلام تعیین و نصب و کیلان و توثیق و مدح برخی از آنان و بیان شخصیت ایشان به شیعیان.
- انجام دادن راهنمایی لازم نسبت به وکیلان و کارگزاران.
- پاسخ به سؤالات دینی، در زمینه‌های فقهی، کلامی، تفسیری، حدیثی و کلامی.
- اعلام دریافت وجوه شرعی و اموالی که تحویل امام می‌شد.
- اعلام خیانت خائنان، غلو غالیان، انحراف منحرفان و رد بر آنان.
- نهی از امور غیرامنیتی و غیرشرعی.
- پاسخ به درخواست‌های مختلف جزئی، مانند درخواست کفن.
- پاسخ به استیذان شیعیان برای امور مختلف شخصی، مانند فرزند دار شدن.
- اعلام وفات یا تاریخ وفات افراد.
- اخبار و پیش‌گویی از امور مخفی و مافی الضمیر افراد، حوادث جزئی یا کلی آینده.
- اعلام عفو و قبول عذر برخی شیعیان.
- پیام تعزیت در رحلت سفیر و نماینده امام.
- پاسخ به طلب دعا از سوی شیعیان در زمینه‌های مختلف.^۱

۱. علامه مامقانی، تنقیح المقال، ۹۲/۲، از ابواب فاء.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ۵۱/ص ۳۰۳.

۳- مبارزه با مدعیان دروغین

سومین عامل رهایی از حیرت، مبارزه با مدعیان دروغین بود. افرادی با توجه به شرایط نامساعد موجود و بانگیزه‌های مختلف همچون کسب شهرت، طمع مال و ضعف ایمان، خود را نائب و سفیر امام معرفی کردند، از جمله آن افراد: اسحاق احمر، باقطنی، ابو محمد شریعتی، محمد بن نصیر نمیری، احمد بن هلال کرخی عبرتائی، محمد بن علی بن بلال، ابوبکر بغدادی، ابودلف مجنون، حسین بن منصور حلاج و ابوجعفر شلمغانی، بودند.^۲

مبارزه با مدعیان دروغین به دو روش صورت می‌گرفت:

الف. مبارزه نائبان و سفیران: در مواردی نائبان حضرت در محفل مدعیان نیابت حضور پیدا می‌کردند و به شیوهایی از مدعی، نسبت به دروغش اقرار می‌گرفتند؛ مانند ابوطاهر محمد بن علی بن بلال، یکی از کسانی بود که به دروغ ادعای بابت نمود. ابوجعفر عمری به محفلی که او و پیروانش در آن حاضر بودند رفت و خطاب به او گفت: آیا صاحب‌الزمان به تو امر نکرد که اموال را به من تحویل دهی؟ و او درحالی که رنگ‌باخته بود، چاره‌ای جز اقرار نداشت و همین مسئله سبب بازگشت برخی از پیروان او گردید.^۳

ب. مبارزه ناحیه مقدسه (ع): در مواردی حضرت در مقابل مدعیان، با نوشتن توقیع و لعن، می‌ایستادند و با توطئه آنان مبارزه می‌فرمودند. در ذیل به نام برخی از آنان اشاره می‌شود:

۱. جباری، محمدرضا، نقش و جایگاه توقیعات در غیبت صغری، فصلنامه علمی و پژوهشی انتظار موعود، بهار ۱۳۸۱، ص ۱۵۵ و ۱۵۶.
۲. جباری محمدرضا، سازمان رهبری شیعه در عصر غیبت صغری، فصلنامه انتظار موعود، پاییز ۱۳۸۰، ص ۱۶۰.
۳. همان، ص ۱۶۰ ° ۱۶۱.

۱- ابو محمد شریعی: وی اولین کسی است که در زمان سفیر دوم ادعای سفارت نمود. او از اصحاب امام هادی علیه السلام و امام عسگری علیه السلام بود و توقیعی از طرف ناحیه مقدسه در لعن او صادر شده است.^۱

۲- احمد بن هلال کرخی (۱۸۰ ° ۲۶۷): او پیش از انحراف، شخصیت والایی داشت اما سفارت محمد بن عثمان را نمی‌پذیرد و خود از مدعیان نیابت بود که سرانجام توقیعی در لعن او صادر شد. وی سپس به مسلک صوفیه پیوست.^۲

۳- ابوجعفر محمد بن علی شلمغانی: زمانی که سفیر سوم توسط حامد بن العباس وزیر جدید خلیفه محبوس و پس از آزادی مخفی می‌گردد، وی نایب حسین بن روح نوبختی بود و دوران ادعای باییت او در این زمان می‌باشد. شلمغانی پس از مدتی، ادعای الوهیت می‌کند. توقیعاتی از جانب ناحیه مقدسه در اعلام برائت و تکفیر او صادر شده است که در منابع رجالی و حدیثی شیعه یافت می‌شود.^۳

۴- علمای شیعه

پس از آنکه امام عصر (عج) در توقیع خود به ابوجعفر عمری، سفیر دوم، مردم را به راویان حدیث ارجاع دادند و آن‌ها را حجت خود بر مردم دانستند^۴ پیش از گذشته مورد اقبال مسلمین قرار گرفتند و تمام تلاش خود را برای خروج شیعیان از حیرت در دوره غیبت و رونق و رشد علمی شیعیان انجام دادند. این دوره شاهد تألیف کتب کلامی و رشد عقل‌گرایی در بین علماء بود. باید به این نکته توجه داشت که ارتباط علمی شیعیان با ناحیه مقدسه هیچ‌گاه قطع نشد و علما با ارسال نامه، سؤال‌های خود را از امام می‌پرسیدند،

۱. موسوی سید حسن، بحثی اجمالی درباره سفرای دروغین غیبت صغری، نشریه دانشگاه ادبیات، ص ۲۰۱.

۲. صدر، سید محمد، تاریخ غیبت صغری، ص ۱۲۲.

۳. رحیمی، عبدالرفیع، بررسی تاریخی زمینه‌ها و چگونگی شکل‌گیری مبانی فکری شلمغانی، صص ۱۴۵ و ۱۴۶.

۴. صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، تحقیق علی‌اکبر الغفاری، قم: جامعه مدرسین، بی‌تا، صص ۴۳۸ ° ۴۸۵.

مانند مکاتبات محمد بن عبدالله حمیری که جواب چهار نامه وی نقل شده است^۱ و مکاتبات اسدی و کیل امام که حضرت به سؤالات او نیز پاسخ دادند.^۲

در میان متکلمان شیعه، خاندان نوبختی مانند ستاره‌ای می‌درخشند. ابوسهل اسماعیل بن علی بن نوبخت (۲۳۷-۳۱۱ ق) دارای آراء و اندیشه‌های کلامی درباره مسئله غیبت است و از نظریه‌پردازان اصلی امامت در غیبت صغری می‌باشد. وی برای نخستین بار مسئله امامت را در ذیل مباحث نبوت و اصول دین مطرح ساخت.^۳ ابواسحاق اسماعیل نوبختی مؤلف کتاب «الیاقوت» از دیگر دانشمندان خاندان نوبختی است. کتاب «الیاقوت» تنها کتابی است که از خاندان نوبختی به‌طور کامل جامانده است و قدیمی‌ترین و در ردیف مشهورترین کتاب‌های کلامی شیعه^۴ است که در آن عصر نگاشته شده است.

در این عصر فقه‌های شیعه توجه خاصی به احادیث داشتند. احادیث معصومین همواره منبع دانش شیعیان بوده است. در عصر غیبت به‌رغم عدم دسترسی به امام معصوم، شیعیان انبوهی از احادیث را در اختیار داشتند و مکتب‌های حدیثی در قم^۵ و ری به وجود آمد و محدثان بزرگی مانند محمد بن یعقوب کلینی کتاب «الکافی» را نگاشتند.^۶ آنچه در این دوره بارز است، استنباط احکام فقهی از میان روایات توسط علمای شیعه می‌باشد. آنان به‌جای اکتفا به نقل احادیث برای مردم، به استنباط احکام از میان روایات پرداخته و نتیجه آن را که فتاوای شیعه بود، بیان می‌کردند. این روش هم قدرت استنباط احکام را تقویت می‌نمود و هم برای عامه مردم قابل فهم بود.^۷ این روش نخستین بار توسط ابن بابویه (م ۳۲۹ ق) ابداع شد. او فتواهای خود را برای فرزندش در رساله‌ای بیان نمود و شیخ صدوق

۱. طبرسی، الاحتجاج، ۲/ ۳۰۱ و ۳۰۲.

۲. همان، ص ۲۹۷.

۳. جمشیدی، محمدحسین، غیبت و نظریه‌پردازی آل نوبخت، شیعه‌شناسی، ص ۵۲.

۴. همان، ص ۵۴ و ۷۴.

۵. جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، ۲۰۹/۱.

۶. طوسی، الفهرست، ص ۲۱۰.

۷. حسین زاده شانه چی، حسن، تشیع در غیبت صغری تداوم و تحول، تاریخ اسلام، تابستان ۱۳۸۰، ص ۶۹.

بسیاری از آن‌ها را در کتب خود «من لایحضر الفقیه»، «المقنع» و «الهدایه» ذکر و شیوه پدرش را دنبال کرد.^۱

علاوه بر موارد یادشده، تحول جدیدی که در دوره غیبت اتفاق افتاد، افزایش چشمگیر تألیفات و تصنیفات علمای شیعه بود که نقش بسزایی در رهایی شیعه از حیرت غیبت صغری و جلوگیری از خطر نابودی معارف شیعه داشت. مسئله غیبت به قدری حساس بود که بخشی از تألیفات در زمینه تبیین غیبت و رفع شبهات به آن اختصاص یافت. ابن بابویه قمی وی در آغاز کتاب «الامامه و التبصره من الحیره» از سردرگمی عده‌ای از شیعیان در عصر غیبت سخن گفته است و هدف از تألیف کتاب را جمع‌آوری روایاتی که شیعیان را از حیرت خارج کند، معرفی می‌نماید.^۲ می‌توان به کتاب «الغیبه و الحیره» از حمیری قمی و «الغیبه و کشف الحیره» نوشته سلامه بن محمد ازونی اشاره نمود.

۵- بیان حقیقت غیبت

یکی از عوامل که در رهایی شیعیان از حیرت مؤثر بود، بیان حقیقت غیبت و تأثیر امام غایب در جامعه و انتظار فرج و دعا برای ظهور توسط حضرت بود. حضرت در توقیعی به سفیر دوم در علت غیبت می‌فرمایند: در خصوص علت غیبت همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: مپرسید از آن چیزی که بدانید، شمارا خوش نخواهد آمد، کسی از پدران من نبود، جز آنکه بیعت یکی از طاغوت‌های زمان بر گردنش بود، اما من در حالی ظهور خواهم کرد که بیعت کسی بر من نیست.

۱. طوسی، محمد بن حسن، وسایل العشر، ص ۴۷.

۲. ابن بابویه، الامامه و التبصره من الحیره، مقدمه.

در بیان تأثیر امام غایب در جامعه در همان توقیع می‌فرمایند: اما غیبت من، همچون پنهان شدن خورشید در پس ابر است. من امان مردمان هستم، همان‌گونه که ستارگان امان آسمان می‌باشند.^۱

در انتظار فرج و دعا برای ظهور می‌فرمایند: در این باره (غیبت) سؤال نپرسید و خود را به‌سختی نیندازید، بیش از توجه به این مسائل، دعا کرده و ظهور ما را از خدا بخواهید.^۲

نتیجه‌گیری

امام حسن عسگری علیه السلام برای پس از شهادت خود به علل مختلف، امام و جانشین و وصی به‌صورت عمومی معرفی نمودند و از طرفی دستگاه حاکمه به دلیل ناامیدی از دستیابی به امام دوازدهم شیعیان، این تفکر را به جامعه القاء نمودند که امام حسن عسگری علیه السلام فرزند و جانشینی نداشته است. این عوامل و نیز ادعای امامت و جانشینی جعفر فرزند امام هادی علیه السلام و سفرای دروغین و مهم‌تر از همه عدم حضور و غیبت امام مهدی (عج) موجب حیرت و سرگردانی شیعیان و برخی از اصحاب و بزرگان شد.

آنچه موجب رهایی و خروج از این حیرت در غیبت صغری شد، هدایت شیعیان توسط امام زمان (عج) و نیز روشنگری‌ها و تلاش سفیران اربعه و توقیعات ایشان بود. البته در این میان از نقش مؤثر و پررنگ علما و بزرگان دین که با تدوین کتاب‌های کلامی و حدیثی موجب خروج شیعیان از حیرت غیبت صغری شدند، نمی‌توان غافل شد.

۱. رحمتی محمدکاظم، غیبت صغری و نخستین بحران‌های امامیه، ص ۴۶.

۲. صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، تحقیق علی‌اکبر الغفاری، جامعه مدرسین، بی‌تا، صص ۴۳۸-۴۸۵.

فهرست منابع

۱. نهج البلاغه، سید رضی، ترجمه محمد دشتی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۹ ش.
۲. صدوق، محمد بن حسین، کمال‌الدین و تمام النعمه، تهران، انتشارات اسلامی، بی‌تا.
۳. اباذری، عبدالرحیم، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی (سفیر سوم)، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۴. ابن بابویه، علی بن حسین، الامامه والتبصره من الحیره، آل‌البیت، ۱۴۰۷ ق.
۵. احمدی کچایی، مجید، ترابی میبدی، روح‌الله، رفتارشناسی امام هادی و امام عسگری علیهما السلام در تقابل با جریان‌های انحرافی تا دوره غیبت، پژوهش‌های مهدوی، زمستان ۱۳۹۳، شماره ۱۱.
۶. اصفهانی، راغب، المفردات فی غریب القرآن، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷ ش.
۷. آقایی، جباری، عاشوری و حکیم، تاریخ عصر غیبت، نگاهی تحلیلی بر غیبت امام دوازدهم، قم، حضور، ۱۳۷۹ ش.
۸. جباری محمدرضا، نقش و جایگاه توقیعات در عصر غیبت صغری، فصلنامه علمی پژوهشی انتظار موعود، بهار ۱۳۸۱، شماره ۳.
۹. جمشیدی محمدحسین، سبزی، داود، غیبت و نظریه‌پردازی آل نوبخت، فصلنامه علمی پژوهشی شیعه‌شناسی، تابستان ۱۳۹۲، شماره ۴۲.
۱۰. حسین زاده شانه چی، حسن، تشیع در عصر غیبت، تداوم و تحول، تاریخ اسلام، تابستان ۱۳۸۰، شماره ۶.
۱۱. الخصیبی، حسین بن حمدان، الهدایه الکبری، بیروت، موسسه البلاغ ۱۴۰۶ ق.
۱۲. رحمتی، محمدکاظم، غیبت صغری و نخستین بحران‌های امامیه، تاریخ اسلام، بهار ۱۳۸۵، شماره ۲۵.
۱۳. رحیمی عبدالرفیع، خسروی زاده، صباح، بررسی تاریخی زمینه‌ها و چگونگی شکل‌گیری مبانی فکری شلمغانی، تاریخ اسلام، زمستان ۱۳۹۴، شماره ۶۴.
۱۴. سعد بن عبدالله اشعری، المقالات والفرق، تحقیق محمدجواد مشکور، تهران، علمی فرهنگی هنری، ۱۳۶۰.
۱۵. صدر، سید محمد، تاریخ غیبت صغری، ترجمه محمد امامی، اصفهان، کیوان، ۱۳۶۴ ش.
۱۶. صدوق، محمد بن حسین، کمال‌الدین و تمام النعمه، تحقیق علی‌اکبر الغفاری، قم، جامعه مدرسین، بی‌تا.
۱۷. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، نشر المرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ ق.
۱۸. طوسی، محمد بن الحسن، الغیبه، تحقیق الشیخ عبدالله الطهرانی و الشیخ علی احمد الناصح، قم، موسسه معارف، ۱۴۱۷ ق.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، المحقق الشیخ جواد القیومی، چاپ ۳، موسسه نشر الفقاهه، ۱۴۲۹ ق.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن، متن و ترجمه کتاب الغیبه، مجتبی عزیزی، قم، مسجد جمکران، ۱۳۸۷ ش.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن، وسائل العشر، موسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۰۶ ق.
۲۲. مامقانی، تنقیح المقال، نجف، مکتبه المرتضویه، ۱۳۵۷ ق.

۲۳. مجلسی، محمدباقر، مهدی موعود، ترجمه جلد ۱۳ بحارالانوار، ترجمه علی دوانی، تهران، مروی، ۱۳۶۳ ش.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، ۱۳۷۶ ق، ج ۵۱.
۲۵. مدرسی طباطبایی، حسین، مکتب در فرایند تکامل، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۸۶ ش.
۲۶. مشکور محمدجواد، تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلامی تا قرن چهارم، تهران، اشراقی، ۱۳۷۹ ش.
۲۷. المنجد فی اللغه، دارالفقه للطباعه و النشر، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
۲۸. موسوی سید حسین، بحثی اجمالی درباره سفرای دروغین دوره غیبت صغری (۲۶۰-۳۲۹ ق)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه اصفهان)، بهار ۱۳۷۷، شماره ۱۲.
۲۹. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، قم، موسسه النشر الاسلامی، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ ق.
۳۰. نقی پور، طیب، سلیمان‌بان خدا مراد، بازخوانی عوامل پیدایش و انحطاط انشعابات انحرافی شیعه در غیبت صغری، فصلنامه انتظار موعود، پاییز ۱۳۹۲، سال ۱۳، شماره ۴۲.
۳۱. نگاهی به کتاب اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی شیعه در عصر غیبت، کتاب ماه دین، فروردین ۱۳۹۱، شماره ۱۷۴.
۳۲. نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، تعلیق محمدصادق آل بحر العلوم، نجف، المکتبه المرتضویه، ۱۳۵۵ ق.